

کالبدشکافی قدرت نرم و ابزارهای کاربردی آن

نویسنده: دکتر حسین رفیع^۱ و سید محمدجواد قربی^۲

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۴/۱۲

فصلنامه مطالعات بسیج، سال سیزدهم، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۸۹

چکیده

مؤلفه قدرت نرم اخیراً در ادبیات سیاسی جهان و رهیافتهای قدرت جایگاه مناسبی پیدا کرده است و هر روز زوایای جدیدی از آن کاویده و عرصه آن گسترده تر می شود. فهم درست این پدیده با نگاهی تطبیقی به قدرت سخت حاصل می شود. قدرت سخت اگر چه در طول تاریخ سیاسی انسان تحول بسیار یافته و تمامی گونه های آن یکسان و بسیط ارزیابی شده است، لیکن قدرت نرم پدیده ای پیچیده و مرکب است. قدرت نرم بر خلاف قدرت سخت که دارای ماهیتی ایستا و بسیط است، ماهیتی ژلاتینی و چند بعدی دارد. کاربرد قدرت سخت و ناکامی های کارکردی بسیار در آن، سبب شده است تا به ابزارهای جدید رو آورده شود؛ ابزارهایی که هزینه های کمتری برای آن تقبل کرده و از تلفات جانی و مالی تا حد زیادی بکاهد و در عین حال، افکار عمومی را با خویش همراه سازد. از این رو، به قدرت نرم توجه شد و کشورهای غربی و قدرتمندان در دهه های اخیر به استفاده از این قدرت رو آورده اند. این مقاله، به تشریح ماهیت و چهره های قدرت و بررسی نظری آن، به همراه ابزارهای قدرت نرم در سه بُعد رسانه ای، رایانه ای و عملیات روانی خواهد پرداخت.

واژگان کلیدی:

قدرت نرم، رسانه، رایانه، عملیات روانی.

۱. استادیار و مدیر گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران.

۲. دانشجوی علوم سیاسی دانشگاه مازندران.

مقدمه

موضوع قدرت نرم به عنوان یک واژه در علم سیاست، به ویژه در حوزه منازعات بشری و از زمان قدیم مطرح بوده است. قدیمی ترین مدرک درباره قدرت نرم به دوران کنفوسیوس برمی گردد. با ظهور ادیان - به ویژه اسلام - و گسترش سریع آنها در جهان، نقش قدرت نرم برجسته تر و تبدیل به یک عامل سرنوشت ساز شد. اسلام نه بر اساس قدرت سخت، بلکه با تکیه بر قدرت نرم گسترش یافت. از قرن شانزدهم و شکل گیری نظام ملت - دولت و سلطه یافتن اندیشه های مادی گرایانه در غرب، به تدریج قدرت نرم به فراموشی سپرده شد یا تحت الشعاع قدرت سخت قرار گرفت.

در تقسیم بندی های مختلف، از قدرت نرم در برابر قدرت سخت، به عنوان قدرت روحی در مقابل قدرت جسمی یا قدرت معنوی در مقابل قدرت مادی یاد می شود. در ایران، سرچشمه عمده قدرت نرم، از ایمان به جمهوری اسلامی و ارزشهای مسلط در جامعه نشئت می گیرد.

قدرت، مفهومی است که در علوم طبیعی، کلامی، فلسفی و انسانی مورد توجه قرار گرفته است، ولی در علوم اجتماعی و سیاسی اهمیت ویژه و جایگاه محوری دارد. هر یک از علما و اندیشمندان از زاویه خاصی به مفهوم قدرت نگریسته اند؛ بعضی از منظر طبقاتی قدرت را تحلیل کرده و برخی با توجه به آثار قدرت، آن را توضیح داده اند. بعضی از جامعه شناسان سیاسی نیز به بیان حدود و قیود قدرت اهتمام ورزیده و تفاوت های میان قدرت در جوامع ساده و پیچیده و قدرت در جوامع عام و خاص را مورد توجه قرار داده و به خصیصه نهادیافتگی قدرت اشاره کرده اند.

یکی از اعترافات رو به افزایش صاحبان و سازندگان اطلاعات در عصر اطلاعات جهانی، این است که اهمیت نسبی قدرت نرم بسیار بیش از گذشته افزایش یافته است. علت این امر این است که قدرت گیرایی فرهنگی و ایدئولوژیکی، بر اعتبار استوار است و کشورهایی که موقعیت بهتری در عرصه اعمال قدرت نرم دارند، احتمالاً کار خود را بهتر از دیگران به پیش خواهند برد؛ زیرا خود را معتبرتر از سایرین در اذهان و قلوب مخاطبان جلوه داده اند.

کشورهایی که دارای حداقل‌هایی درونی برای کسب و اعمال قدرت نرم خود هستند،
کشورهایی هستند که:

۱. بر فرهنگ و اندیشه‌هایی مسلط می‌شوند که به هنجارهای غالب جهانی نزدیک‌ترند؛ هنجارهایی که امروزه بیشتر بر آزادی، تکثرگرایی و استقلال حکومت تکیه دارند.

۲. بیشترین دسترسی را به راه‌های متعدد ارتباطی دارند و به همین علت بر شیوه چارچوب‌بندی مسائل در عرصه سیاست جهانی تأثیر بیشتری دارند.

۳. اعتبارشان با عملکرد داخلی و بین‌المللی‌شان افزایش می‌یابد.

البته قدرت نرم، نوع جدیدی از قدرت نیست و دارندگان آن، هر کدام به نسبت خویش، از فرهنگ خود برای تولید این قدرت استفاده کرده‌اند. در ضمن نباید فراموش کرد که قدرت نرم، چیزی فراتر از قدرت فرهنگی صرف است. قدرت نرم، هم بر شیوه تنظیم دستور کار سیاستها متکی است و هم بر قدرت جذب‌کنندگی. فرهنگ عامه، تنها یک جنبه از گیرایی به شمار می‌آید نه همه آن. به عنوان مثال، اکثر رهبران سیاسی و اقتصادی چین، فرزندان دارند که در ایالات متحده تحصیل می‌کنند. این افراد، تصویری متفاوت با تصاویر تبلیغاتی دولت چین از آمریکا را در اذهان والدین خود ایجاد خواهند کرد؛ فرزندان که احتمالاً بسیاری از مقامات بعدی حکومتی چین خواهند بود.

سیاستهای حکومت در داخل و خارج از کشور نیز می‌تواند قدرت نرم را تقویت یا تضعیف کند و در نقطه مقابل، سیاست خارجی‌ای که در چشم دیگران یکجانبه‌گرا و استکباری به نظر برسد، از قدرت نرم خواهد کاست.

قدرت نرمی که در عصر اطلاعات اهمیت بیشتری می‌یابد، تا اندازه‌ای بیشتر از آنکه در نتیجه اقدامات رسمی دولتها پدید آمده باشد، محصول جنبی شرایط اجتماعی و اقتصادی جوامع این کشورها است. سازمانهای غیر دولتی‌ای که قدرت نرم مختص به خود را دارند، قادرند تلاشهای دولت را در دستیابی به اهداف مورد نظر، با پیچیدگی

روبه‌رو ساخته یا حتی به این تلاشها ضربه بزنند. امروز واژه قدرت^۱ در صحنه روابط بین‌المللی و در زندگی سیاسی کشورها کاربرد وسیعی پیدا کرده است. استفاده از قدرت تنها منحصر به قلمرو سیاسی نیست، بلکه در زندگی عادی افراد و در مسائل قضایی، حقوقی، مدنی، اجتماعی و اقتصادی نیز به دفعات تحت عناوین مختلفی از قبیل قدرت قضایی، قدرت قانونی، قدرت مالی و ... از این واژه استفاده می‌شود. (تولایی، ۱۳۸۷، ص ۴۵)

دارندگان قدرت نرم برای قدرت‌نمایی خود همواره از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند. از این رو، تلاش آنها عملاً برای کشور هدف، جنگ نرم و راهبرد نرم محسوب می‌شود. اگر چه ابعاد و تحوّل جنگ نرم را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و حتی مدیریتی می‌توان به خوبی مشاهده کرد، اما حوزه مانور جنگ نرم در عرصه فرهنگی وسیع‌تر است. از این رو، کشورهایی که اتفاقاً از فرهنگ غنی برخوردارند و فرهنگ و ارزشهای آنها علت موجه اقتدارشان محسوب می‌شود، همواره مورد تهاجم فرهنگ و جنگ نرم در این عرصه قرار دارند. در عین حال، امکانات و اعتبارات فرهنگی می‌توانند به عنوان فرصت و منبع قدرت نرم محسوب شوند.

انواع قدرت

۱. قدرت سخت^۲

قدرت سخت را می‌توان نمودی از قدرتهای غیر فرهنگی شده ارزیابی کرد؛ بدین معنا که آن دسته از منابع قدرت را که فارغ از اصول و هویت فرهنگی جامعه عمل می‌کنند، می‌توان سخت‌نمید (تاجبخش، ۱۳۸۴، ص ۳۶۸-۳۴۹). ویژگی بارز قدرت سخت، تحلیل آن به «آمریت» است که مطابق آن، فرد موضوع قدرت، به اطاعت واداشته می‌شود. به همین خاطر است که امکان تولید و اعمال قدرت در صورتی متصور است که بین اعمال قدرت و محیط، تفکیک صورت گرفته باشد. بدین ترتیب، سازمانهای قدرت با ساختاری هرمی

1. Power
2. Hard Power

شکل می‌گیرند که در آن، «سازمان رسمی» در بالا، «موضوع قدرت» در پایین و «محمل قدرت» در میانه قرار دارد. این رویکرد عمومی با مبادی مکتب رسالتی در حوزه سیاست شکل گرفته و توسعه یافته و تاکنون نیز در قالب اشکال مختلف استمرار داشته است. البته جوزف نای در کتاب *قدرت نرم* معتقد است استفاده از زور برای دولتهای بزرگ مدرن نسبت به سده‌های قبل هزینه بیشتری دارد (نای، ۱۳۸۲، ص ۳۶۸). برخی از نظریه پردازان حامی استفاده از قدرت سخت، مدعی می‌شوند که برتری نظامی غرب، شکایات و عدم اعتماد متحدان، خود شرایط مطلوبی را در تمامی ابعاد نظام سیاسی به وجود می‌آورند. (کلامچیان، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۸۵)

حکومتها از قدرت نظامی برای جنگها استفاده می‌کنند و با استفاده از ترکیبی از مهار و شانس، در زمان مناسب به نتایج دلخواه می‌رسند. قدرت اقتصادی معمولاً یک موضوع بسیط است. حکومتها می‌توانند حسابهای بانکی خارجی را در عرض یک شب مسدود یا فوراً اقدام به توزیع کمکهای مالی و رشوه‌دهی کنند؛ در صورتی که کاربرد قدرت نرم این مقدار ساده نیست. (نای، ۱۳۸۷، ص ۱۸۴)

آنچه از درک مسائل قدرت سخت و مطالب ارائه شده توسط نویسندگان در جریان قدرت‌شناسی فهمیده می‌شود، این است که قدرت سخت برای رسیدن به اهداف خویش نیازمند یک عامل تکمیلی و پشتیبان است که آن قدرت نرم است.

۲. قدرت نرم^۱

قدرت نرم، امپریالیسم فرهنگی و هژمونی فرهنگی (به تعبیر گرامش) معنای قریب و کم و بیش مشترک دارند. ولی آنچه از محتوای سخنان اندیشمندان در توضیح این واژه برمی‌آید این است که قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره‌موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، تأثیرگذاری غیر مستقیم توأم با رضا بر دیگران، اراده دیگران را تابع خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ است. این

1. Soft Power

قدرت معمولاً در مقابل قدرت نظامی و به عبارتی؛ قدرت سخت و خشن به کار می‌رود. بارزترین نمونه قدرت نرم در سطح خرد، تصویری است که ماکس وبر جامعه‌شناس شهیر آلمانی از نفوذ و اقتدار بلامنازع شخصیت‌های بزرگ و چهره‌های متنفذ به دست داده است (تولایی، ۱۳۸۷، ص ۴۹-۵۰)، در واقع؛ قدرت نرم در توانایی کشورها به نمایاندن خویش در عرصه جهانی معنی می‌یابد.

فرهنگ هر کشور به همان میزان که دامنه دارد، می‌تواند جاذبه هم داشته باشد. در اینجا صرفاً قدرت نرم است که می‌تواند جلوه مثبتی از فرهنگ و سیاست کشورها در اذهان جهانیان اتخاذ کند. هدف مستقیم در قدرت نرم، تأثیر بر باورهاست و برای این کار باید روحیه جنگیدن را در دشمن از بین برد. (Nye, 2004, P.9-13)

اساس قدرت نرم در ارزشها، فرهنگ، نحوه رفتار با هر کشور در سطح ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی و ایجاد حس مشروعیت برای اهداف بین‌المللی یک کشور نهاده شده است. در قدرت نرم، فعالان فرهنگی می‌توانند بر دیگر دولتها به صورت فرامرزی اثر بگذارند. این تأثیر بر خلاف قدرت سخت، فقط مبتنی بر اقدامهای دولتی و حکومتی نیست، بلکه شامل سازمانهای مردم‌نهاد و گروهها و جنبشهای استقلال‌طلب، آزادی‌بخش و ... نیز می‌شود. (Kelly, 2002, P.8)

در کنار این دو نوع قدرت، نوع سومی پا به عرصه ظهور می‌گذارد که قدرت هوشمند^۱ نامیده می‌شود. قدرت هوشمند ترکیبی از مؤلفه‌های قدرت سخت و قدرت نرم است. این امر به مفهوم آن است که باید شکل و ابزار جدیدی به کار گرفته شود که نقش ترکیب‌کننده و تجمیع‌کننده در حوزه یاد شده قدرت را دارا باشد. (متقی، ۱۳۸۷، ص ۶۰)

رویارویی و نزاع فرهنگی و رسانه‌ای جبهه استکبار، از چالشها و فرایندهایی است که شتاب و پیچیدگی گسترده‌ای یافته است. شرایط و تحولات جاری، از هجمه تازه‌ای با محوریت تهدید نرم، انقلاب مخالفان، کودتای مسالمت‌آمیز، فروپاشی از درون، جنگ روانی و رسانه‌ای و مفاهیمی از این قبیل حکایت دارد.

۳. قدرت هوشمند

نظریه پردازان در دهه‌های اخیر، قدرت را با توجه به شاخصها و معیارهای متکثر^۱ آن مورد بررسی قرار دادند تا بتوانند زوایای مختلف را مورد کنکاش قرار داده، با یک مطالعه تطبیقی^۲ به قدرت مطلوب خویش دست یابند. بارنس در نظریه‌پردازی‌های خویش از کلمه جدید «قدرت مرکب»^۳ استفاده کرد و مدعی شد امر تأثیرگذاری در زمانی ایجاد و اعمال می‌شود که یک بازیگر از ابزار و نشانه‌های مختلف برای اعمال نفوذ بهره گیرد. در چنین حرکتی، موضوع قدرت نرم‌افزاری از اهمیت بیشتری برخوردار شد، ماهیت قدرت تغییر یافت و ساختار قدرت منعطف تر شد. (Barness, 1998, P.37)

سوزان ناسل^۴ در مجله فارین پالسی (آوریل ۲۰۰۴) مقاله‌ای منتشر کرد که در آن کفایت اصطلاح قدرت نرم «جوزف نای» در مقابله با تهدیدهای جدی علیه منافع آمریکا را به چالش کشیده بود. وی مفهوم جدیدی از قدرت را پیشنهاد کرد و آن را قدرت هوشمند به معنای ترکیب هوشمندانه قدرت سخت و نرم در مقابله با تهدیدهای علیه امنیت ملی نام نهاد. ناسل معتقد است که توانایی‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک باید در یک جهت هماهنگ شوند^۵ تا برآیند آن، تداوم برتری یک کشور را تضمین کند.

به نظر می‌رسد قدرت هوشمند مطرح شده توسط خانم ناسل، برآیند نقاط قوت و حذف نقاط ضعف دو قدرت سخت و نرم باشد که معتقد به تقویت و هماهنگی تمام قوا برای تداوم و بهبود برتری آمریکا در جهان است. آنچه در مقابله با خانم ناسل مورد توجه قرار گرفته، جایگزینی سیاست جذب به جای سیاست جبر آمریکا در صحنه بین‌المللی است. به بیان دیگر؛ آمریکا به جای اجبار و تحت فشار قرار دادن کشورهای جهان از طریق خشونت یا حتی عدم خشونت که موجب تضعیف محبوبیت و همچنین حس عدم اعتماد می‌شود، درصدد جذب ملتها با بهره‌گیری از تمام اهرمهای موجود در

1. Plural
2. Study Comprative
3. Complex Power
4. Suzanne Nossel
5. Convincing and Coercing

زمان مقتضی است. ایشان در مقاله خود، به لزوم بازگشت ایالت متحده به سیاست خارجه قرن ۱۹ خود؛ یعنی لیبرال ناسیونالیسم که طرفدار جهانی بودن جنگ (در لفافه) و همچنین گسترش لیبرال دموکراسی در سرتاسر جهان بود، تأکید کرده است.

برای هدفگذاری درست در استفاده از هر دو قدرت، نیاز به تبیین راهبردی به نام قدرت هوشمند داریم که در راستای راهبرد ملی و بین‌المللی خود از قدرت هوشمند، که تجمیعی از هر دو قدرت نرم و سخت است، به خوبی برای دستیابی به اهداف و منافع تعریف شده خود برسیم. (Hinen, 2008, P.28)

آنچه به عنوان قدرت هوشمند مطرح می‌شود، می‌توان به عنوان شکل تکامل یافته مؤلفه‌ها و موضوعات قدرت سیاسی و راهبردی در نظر گرفت. هر یک از مؤلفه‌ها می‌توانند نقش تعیین کننده‌ای در رفتار راهبردی آمریکا داشته باشند. اگر چه ماهیت کاربرد قدرت در سالهای بعد از پایان ساختار دو قطبی تغییر یافت، اما جورج بوش در سال ۲۰۰۱ از الگوهایی بهره گرفت که به طور عمده مبتنی بر شاخصها و نشانه‌های قدرت سخت‌افزاری بودند. بر اساس چنین رویکرد و ادراکی بود که بوش در حوزه‌های مختلف جغرافیایی، از ابزارهای قدرت سخت‌افزاری استفاده کرد. (متقی، ۱۳۸۷، ص ۵۸)

شاخصهای قدرت نرم

موضوع قدرت نرم توسط راهبردشناسان آمریکایی به گونه‌ای مطرح شد که بتواند حوزه‌های مختلف قدرت سخت و نرم را با یکدیگر ترکیب کنند و از سویی، به جای مقابله با تهدیدهای جاری، درصدد کنترل و رویارویی با تهدیدهای آینده برآیند. شاخصهای کارکردی قدرت نرم در چارچوب اهداف راهبردی را می‌توان در دسته‌های مختلف به شرح ذیل تقسیم‌بندی کرد:

الف) افزایش اقتدار

اجرا و پیاده کردن قدرت نرم نیازمند این است که کشور مجری از اقتدار و قدرت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بالایی برخوردار باشد. این توانایی در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی باید به صورت روشن و ملموس نشان داده شود.

ب) ماهوی و ذهنی بودن

تغییرات حاصل از جنگهای نرم دارای ویژگی ماهوی، ذهنی و تدریجی هستند و همراه با آرامش، بدون روشهای فیزیکی، با استفاده از قدرت هنجارسازی و به طور عمده از طریق تبلیغات، رسانه، احزاب، تشکلهای صنفی و شیوه القا و اقناع انجام می پذیرند.

پ) کاربرد ابزارهای نرم

در جنگ نرم برای تضعیف کشور هدف و بهره گیری از توان و ظرفیت رسانه ها (اعم از مطبوعات، خبرگزاری، رادیو، تلویزیون، اینترنت و اصول تبلیغات) از آنها به منظور دفاع از منافع ملی استفاده می شود و راهبرد آنها سعی در حرکت با افکار عمومی است.

ت) منفعت طلبی

همان گونه که هانتینگتون در حوزه عمل اشاره می کند، منفعت طلبی در مرکزیت حرکت غرب قرار دارد. غرب تلاش می کند تا موقعیت ممتاز خود را حفظ و از منافع خود که آن را منافع جامعه جهانی جلوه می دهد، دفاع کند. هدف کاربردی قدرت نرم، رسیدن به اهداف در عرصه سیاستهاست که از شاخصهای مهم جنگ نرم محسوب می شود. (هانتینگتون، ۱۳۷۸، ص ۲۹۳-۲۹۲)

ث) نفی قواعد سلطه

ایالات متحده و کشورهایی که خواستار استفاده از قدرت نرم افزاری و قابلیت لازم برای مقابله با تهدیدهای بیرونی هستند، نیازمند آنند تا به مطلوبیتهای درون ساختاری نایل شوند که برخی این موضوع را تحت عنوان انقلاب آزادی عمل^۱ مورد توجه قرار داده اند: «کشورهایی که بتوانند از قابلیت لازم برای نفی قواعد سلطه برخوردار شوند، به آزادی عمل لازم در برابر محدودیتهای بین المللی نایل می شوند». (رضانی، ۱۳۸۰، ص ۳۳)

ج) سرمایه اجتماعی

این سرمایه به مؤلفه‌هایی از قبیل اعتماد، اعتبار و ... در روابط نظام سیاسی با ملت اشاره دارد که به روان‌سازی امور و افزایش کارآمدی منجر می‌شود.

چ) اصل مشارکت

اصولاً اصلاح ساختار رسمی قدرت بدون توجه به اصل مشارکت میسر به نظر نمی‌رسد. به همین خاطر است که باز شدن عرصه مناسبات قدرت بر روی خواست و آرای شهروندی را ضرورتی غیر قابل انکار در تحوّل ماهیت قدرت در این جوامع می‌دانند. (نلسون، ۱۳۷۹، ص ۱۸۴-۱۷۵)

ح) استفاده ظریف از قدرت سخت

قدرت سخت و نرم در ارتباط با یکدیگر هستند و می‌توانند با یکدیگر در راستای رسیدن به اهداف همکاری داشته باشند. البته این دو قدرت در برخی از مواقع، یکدیگر را تقویت و در شرایطی در کار هم تداخل ایجاد می‌کنند.

قدرت نرم، مکمل قدرت سخت است؛ به طوری که بی‌توجهی به قدرت نرم می‌تواند قدرت سخت را تضعیف و راهبرد قدرت را به نحو محسوس تضعیف کند. در واقع؛ موفقیت نه از جانب قدرت سخت و نه از جانب قدرت نرم، هیچ یک به تنهایی به دست نمی‌آید، بلکه برای رسیدن به موفقیت باید ترکیب بهینه‌ای از آنها را به کار برد. (مرادیان و فرهادی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۲)

خ) هم‌راه‌سازی نهادهای بین‌المللی با عملکردهای تهاجمی

بر خلاف گذشته که فقط دولتها بازیگر صحنه روابط بین‌المللی بودند، امروزه نهادها و سازمانهای غیر دولتی نیز یکی از عناصر تأثیر گذار بر صحنه بین‌المللی هستند. هر چه سیاستها متنوع‌تر باشد، این امر منجر به وابستگی به نهادها، نیروهای غیر دولتی و جنبشهای مستقل می‌شود که باید از آنها به درستی بهره‌گیری کرد. (See: Walt, 2005, P.118)

ویژگی‌های ارائه شده به وضوح شاخصهای قدرت نرم در راستای اهداف کشورها را نشان می‌دهد. با توجه به ابعاد نظری ارائه شده و بخشهای مختلف قدرت نرم، باید دید که در جنگ نرم چه ابزارهایی قابل بهره‌برداری می‌باشد.

ابزارهای قدرت نرم

در این بخش، قدرت نرم را در سه بعد رسانه‌ای^۱، رایانه‌ای^۲ و عملیات روانی^۳ مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱. رسانه

استفاده از رسانه‌ها، برای تضعیف کشور هدف و بهره‌گیری از توان و ظرفیت رسانه‌ها (اعم از مطبوعات، خبرگزاری‌ها، رادیو، تلویزیون، اینترنت و اصول تبلیغات) به منظور دفاع از منافع ملی است. جنگ رسانه‌ای یکی از برجسته‌ترین جبهه‌های جنگ نرم و جنگهای جدید بین‌المللی است. اگر چه جنگ رسانه‌ای به طور عمده به هنگام جنگهای نظامی کاربرد بیشتری پیدا می‌کند، اما این به آن مفهوم نیست که در سایر مواقع، جنگ رسانه‌ای در جریان نبوده یا مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. جنگ رسانه‌ای تنها جنگی است که حتی در شرایط صلح نیز بین کشورها به صورت غیر رسمی ادامه دارد و هر کشوری از حداکثر توان خود برای پیشبرد اهداف سیاسی خویش با استفاده از رسانه‌ها بهره‌گیری می‌کند. (ضیایی پور، ۱۳۸۷/ب، ص ۱۱)

این جنگ (رسانه‌ای) میان خبرنگاران خبرگزاری‌ها، شبکه‌های خبری و سایتهای اینترنتی جریان دارد؛ اما واقعیت آن است که در پشت این جدال ژورنالیستی، چیزی به نام «سیاست رسانه‌ای یک کشور» نهفته است که به طور مستقیم توسط بودجه‌های رسمی مصوب مجالس یا بودجه‌های سرّی سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی و سرویسهای جاسوسی

1. Media
2. Cyber
3. Psychological Operations

تغذیه می‌شود. سربازان جنگ رسانه‌ای، متخصص تبلیغات، راهبر دانش‌آسان تبلیغات بین‌المللی و کارگزاران رسانه‌ها هستند.

جنگ رسانه‌ای مقوله‌ای است که همکاری هماهنگ و نزدیک بخشهای نظامی، سیاسی، اطلاعاتی، امنیتی، رسانه‌ای و تبلیغاتی یک کشور را می‌طلبد. در واقع؛ نیازهای کاذب به وسیله «قدرتهای بیرونی» که افراد بر آنها کنترل ندارند، بر آنها تحمیل شده و شکل‌گیری این نیازها، نامتجانس است. بر اساس دیدگاه مارکوزه، بر اساس افکار و امیالی که از بیرون و حتی شاید آشکارا از طریق تبلیغات و ضریب رسانه‌ها بر ما تحمیل شده‌اند، به صورت آزاد عمل می‌کنیم. به عبارتی؛ مردمانی که توسط رسانه‌ها وارد مرحله اغوای ذهنی می‌شوند، «ظرفهایی هستند که برای مدت طولانی شرطی شده‌اند». (جعفرپور، ۱۳۸۷، ص ۳۱۶-۳۱۵)

برای پیروزی و تأثیرگذاری بیشتر در جنگ رسانه‌ای، باید به این نکته توجه کرد که هر کشوری که بتواند از ابزارهای متنوع‌تر، پرحجم‌تر، مدرن‌تر و فناوری‌های جدید رسانه‌ای و ارتباطی استفاده کند، قادر خواهد بود موفقیت بیشتری را برای خود در عرصه جنگ رسانه‌ای تضمین کند.

بر این اساس، فناوری به تنهایی و بدون دانش فنی و نیروی انسانی، کارآمدی چندانی نخواهد داشت. ابزارهای جنگ عبارتند از:

الف) رادیو: امروزه کمتر کسی است که به نقش رادیوها در شکل‌دهی به افکار عمومی و تقابل رسانه‌ای میان کشورها، گروه‌ها و جمعیتها واقف نباشد. برخی صاحب‌نظران تا آنجا پیش رفته‌اند که حتی یکی از دلایل فروپاشی بلوک شرق و شوروی سابق را فعالیت رادیو آزادی دانسته‌اند. در تمامی سالهای جنگ سرد، آمریکا از ابزارهای مختلفی جهت تهدید نرم علیه کمونیست و شوروی، دشمن و رقیب اصلی خود در سراسر جهان، استفاده کرد که یکی از آنها استفاده از تبلیغات رادیویی بود.

معمولاً این رادیوها مدعی واقع‌نگری، دقت، عدم تعهد و پخش نظرات دیگران می‌باشند. اما با تتبع در برنامه این رادیوها، متوجه می‌شویم که این رسانه موضوع معین و مشخصی را توسط سردمداران خویش دنبال می‌کند. به عنوان مثال شرکت رادیویی

بریتانیا^۱ (BBC) و صدای آمریکا^۲ علاوه بر اینکه وسایل امتناع را به کار گرفته و گیرنده پیام تبلیغاتی را مد نظر قرار می‌دهند، سعی در پخش سریع اخبار و اطلاعات و نیز ارائه تحلیل و تفسیرهایی در مورد این اخبار دارند و یکی را بر دیگری ترجیح می‌دهند. (العونین، ۱۳۶۹، ص ۱۱۵-۱۰۶)

ب) تلویزیون: امروزه مخاطبان در فضای تلویزیونی جدید، چه در بخش عمومی و چه در بخش خصوصی، سهمیم شده‌اند و برای مطلع شدن از رویدادهای روزمره جهان از طریق شبکه‌های بین‌المللی خبری با انتخابهای متعدد و جدیدی روبه‌رو هستند. با ظهور شبکه Euronews در رقابت با شبکه‌های CNN در آمریکا و Skynews در انگلستان و نیز آغاز به کار شبکه‌های عمومی متعدد در سایر نقاط جهان، اشتهای بی‌پایان برای ارائه اخبار تلویزیونی، روز به روز مقیاس جهانی تری پیدا می‌کند. گسترش شبکه‌های تلویزیونی به کشورهای قدرتمند کمک کرد تا از آن در راستای اهداف خویش در عرصه بین‌المللی استفاده کنند.

پ) ماهواره: امروزه ماهواره‌ها^۳ به بخش مهم و عمده‌ای در زیربنای ساختار ارتباطات و اطلاعات تبدیل شده‌اند؛ به طوری که با اطمینان می‌توان هزاره سوم میلادی را قرن ماهواره نام نهاد. فناوری ماهواره عاملی قوی برای تغییر و دگرگونی است (ضیایی‌پور، ۱۳۸۷/ب، ص ۱۲۹). از ماهواره‌ها به راحتی می‌توان در راستای جنگ نرم استفاده کرد. به عنوان مثال، آمریکا با استفاده از ماهواره، این باور را که ارزشهای آمریکایی، ارزشهایی جهانی هستند، ترویج می‌کند و از این ابزار برای مقابله با سایر کشورها در جهت تحقق اهداف خود و از میان برداشتن موانع استفاده می‌کند. (Slaughter, 2008, P.13)

امروزه کاربردها ماهواره‌ها در جنگ نرم به عنوان یک عامل مهم جلوه‌نمایی می‌کند و تسریع هدف را ممکن می‌سازد. یکی از بزرگ‌ترین منابع و ابزار جنگ نرم، قدرت شبکه‌های ماهواره‌ای است که از طریق هجوم این شبکه‌ها بتوانند فرهنگ عمومی را شکل داده، تغییراتی در نگرشها و باورهای آنان ایجاد کنند. (نادری، ۱۳۸۸، ص ۱۲)

1. the British Broadcasting Company
2. Voice of America (VOA)
3. Sate Ilites

ت) خبرگزاری‌ها^۱: خبرگزاری‌های بین‌المللی یکی از عمده‌ترین ابزارهای جنگ رسانه‌ای در جهان محسوب می‌شوند. این خبرگزاری‌ها، هر روزه با تولید میلیون‌ها کلمه خبر و مخابره آن با پیشرفته‌ترین فناوری‌های ارتباطی، فرایند اطلاع‌رسانی جهانی را تحت سیطره و کنترل خود قرار داده‌اند. آنها می‌توانند با حذف یک خبر یا دادن پوشش وسیع به یک رویداد، افکار عمومی جهان را له یا علیه آن مسئله برانگیزانند. از جمله این خبرگزاری‌ها می‌توان به آسوشیتدپرس، یونایتدپرس، رویترز، خبرگزاری فرانسه و .. اشاره کرد. (ضیایی‌پور، ۱۳۸۷/ب، ص ۱۴۰)

۲. رایانه^۲

جنگ رایانه‌ای اشاره به وضعیتی دارد که در آن عملیات نظامی بر اساس اطلاعات رایانه‌ای^۳ کنترل شوند یا به منظور جلوگیری از عملیات دشمن برای ایجاد اختلال در ارتباطات^۴ و جلوگیری از دسترسی وی به اطلاعات تلاش شود. معنای دیگر جنگ رایانه‌ای، تلاش برای کسب اطلاعات هر چه بیشتر درباره دشمن و جلوگیری از کسب اطلاعات توسط وی درباره نیروهای خودی است. به تعبیری؛ تلاش برای تغییر توازن اطلاعات^۵ و دانش به نفع نیروهای خودی است و در نهایت، جنگ رایانه‌ای به معنای استفاده از اطلاعات برای به حداقل رساندن سرمایه، جنگ‌افزار^۶ و نیروی انسانی^۷ مورد نیاز برای کسب پیروزی در جنگ است.

البته در استفاده از رایانه در جنگ نرم باید به جاذبه‌هایی نظیر ارزشهای سیاسی، سیاست خارجه، فرهنگ و اموری از این دست توجه کرد. نظریه پردازان قدرت نرم بر این امر اعتقاد دارند که از طریق چنین ابزارهایی می‌توان به نتایج و مطلوبیتهای مؤثری برای کنترل

-
1. News Agencies
 2. Cyber
 3. Computer Information
 4. Derangement in Communication
 5. Information Balance
 6. Weapons
 7. Staffing

جهان نایل شد. بهره‌گیری از ابزارهای قدرت فناورانه می‌تواند جایگاه و موقعیت ویژه و تعیین‌کننده‌ای برای واحدهای سیاسی ایجاد کند. (U.S Defense Department, 2002, P.53)

در جوامعی که همچون تارهای عنکبوت در هم تنیده و زمان و مکان آنها را در هم فشرده شده‌اند، رایانه از عوامل و ابزارهای مهم تأثیرگذار بر افکار عمومی و پیروزی در جنگ نرم محسوب می‌شود که از طرق گوناگون به شرح ذیل عمل می‌کند:

الف) تروریسم رایانه‌ای^۱: اصطلاح جدیدی است که به تازگی وارد ادبیات سیاسی جهان شده است. این نوع عملیات تروریستی به هر گونه اقدامات خرابکارانه‌ای اطلاق می‌شود که نفوذگران^۲ و اخلاالگران رایانه‌ای علیه شبکه‌های رایانه‌ای و اینترنتی یک کشور انجام می‌دهند. هم اکنون شبکه اینترنت، بستر و وسیله مناسبی جهت نفوذ اخلاالگران به شبکه‌ها شده است. این اخلاالگران، اهداف گوناگونی دارند که گروهی از آنها دارای گرایشهای سیاسی و اجتماعی هستند و به آنها «Activities» گفته می‌شود (ضیایی‌پور، ۱۳۸۷/الف، ص ۲۵-۲۴). در تروریسم رایانه‌ای اعمال نفوذ تأثیر زیادی دارد؛ تا جایی که وینستون چرچیل از پیدایش جنگ الکترونیک به عنوان نبرد جادویی نام برده است. در فضای کنونی که کشورها، به خصوص کشورهای در حال توسعه و جهان سوم، به شدت به فضای مجازی وابسته شده‌اند، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری از فضای رایانه‌ای بسیار گسترش یافته؛ لذا کشوری در جنگ نرم پیروز است که بتواند این فضا را در اختیار بگیرد و افکار عمومی را همراه خویش سازد.

تروریسم رایانه‌ای، حمله از پیش طراحی شده و دارای انگیزه‌های سیاسی به سیستمهای رایانه‌ای، برنامه‌های رایانه و داده‌هاست که به خشونت علیه اهداف غیر متخاصم توسط گروههای زیرملی^۳ یا عوامل پنهان، منجر می‌شود. آنچه مبرهن است اینکه، تروریسم رایانه‌ای می‌تواند با نفوذ و کسب اطلاعات یا مسدود کردن اطلاعات برای دیگران، به تخریب طرف مقابل - سازمان، نهاد، سمن و دولتها - پردازد و از این طریق به اهدافش دست یابد. (Polite, 1997, P.285-289)

1. Cyber Terrorism
2. Hackers
3. Sub National

ب) جنگ اینترنتی و جنگ مجازی: کارشناسان فناوری اطلاعات عقیده دارند در جنگهای آینده، گروههای کوچک نظامی که با استفاده از آخرین تجهیزات اطلاعاتی و ارتباطی در جنگ شرکت می کنند، می توانند ارتشهای تا دندان مسلح به سلاحهای جنگی را از پا در آورند. در واقع؛ نیروی های نظامی عصر اطلاعات^۱ با بهره گیری از اطلاعات به موقع و دقیق از موقعیت و برنامه های دشمن، به دانش برتری برای اهداف راهبردی خود دست می یابند و با این ابزار قوی، قادر به شناسایی دقیق نقاط قوت و ضعف طرف متخاصم و تصمیم گیری سریع در مورد نحوه حمله به آن خواهند بود.

جنگهای اینترنتی می توانند علاوه بر حاکمیت دولت، بر حوزه امنیت داخلی و امنیت مردم تأثیر گذار باشند. از این رو، دولتها به دنبال ایجاد امنیت داخلی و امنیت مردم تحت حاکمیت خویش هستند.

۳. عملیات روانی

عملیات روانی و جنگ روانی از جمله عباراتی هستند که دچار قبض و بسط مفهومی شده اند. تا کنون تعاریف متنوع و گوناگونی از عملیات روانی که شامل جنگ روانی است، بر اساس شرایط استفاده از آن ارائه شده، اما تعریف واحد، دقیق، و جامع و مانعی از آن وجود ندارد.

اصطلاح جنگ روانی در ابتدا به مجموعه عملیات روانی اطلاق می شد که در جنگهای نظامی به کار می رفت. این عملیات روانی با مقاصد گوناگونی همچون: تضعیف روحیه سربازان در جبهه های نبرد، تضعیف روحیه و گمراه کردن مردم کشورهای درگیر در جنگ، نیرنگهای تبلیغاتی برای حفظ برتری در جبهه، گسترش شایعات برای ایجاد ترس و ... طراحی می شد. (وایت، ۱۳۸۲، ص ۱۰)

عملیات روانی تسخیر قلب و روان و ذهن را در پی خواهد داشت و خود، موضوعات طراحی شده ای برای انتقال ویژگی ها و اطلاعات خاصی برای مخاطبان است که از این

طریق می‌تواند احساسات و انگیزه‌های آنها و در نهایت، رفتار سازمانها و گروهها و افراد را تحت تأثیر قرار دهد. (حسینی، ۱۳۷۷، صص ۳۲-۵)

با این تفاسیر، جنگهای روانی را می‌توان به دو گونه ذیل تقسیم‌بندی کرد:

الف) جنگ روانی راهبردی: این روش گروه محدود یا ملت خاصی را هدف قرار نمی‌دهد، بلکه عملکرد آن در جهت تحقق اهداف راهبردی درازمدت دولت و بر اساس اهداف ملی است و بدین سبب، شامل تمام معانی ممکن این عبارت می‌شود. گاهی در جنگ روانی راهبردی، بیش از یک عنصر از عناصر جنگ مورد استفاده قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، علاوه بر تبلیغات و جنگ سرد، گاهی دولتها به استفاده از جنگ سیاسی، اقتصادی و شاید نظامی نیز متوسل می‌شوند. البته گاهی توسط جنگ روانی راهبردی به نتیجه می‌رسند که این امر در درازمدت عملی می‌شود و قدرت بیشتری از روش کلاسیک دارد.

ب) جنگ روانی تاکتیکی: این نوع از جنگ، علیه سربازان دشمن در میدان نبرد یا پایگاههایشان یا علیه کل اتباع دولت مزبور یا گروهی از آنها که در عرصه نبرد حاضرند، صورت می‌گیرد. عملیات روانی در این حالت، عملیات محلی بوده و هدف از آن، ضعیف کردن مقاومت نیروهای دشمن یا فراخواندن مردم به همکاری با قوای در حال پیشرفت و نیز ایجاد مانع در راه تلاشهای جنگی دشمن است. این عملیات و اداره آن تحت نظر شبیه عملیات روانی در ستاد نیروهای نظامی است و نهادهای خدمات کشوری، امکانات خود را در اختیار این ستاد قرار می‌دهند. (همان، صص ۳۴-۳۰)

آنچه از داده‌های جنگ روانی حاصل شد، نشان‌دهنده این مطلب است که این عملیاتها برای انتقال اطلاعات گزینشی و جهت‌دهی آنها به سمت مخاطبان خارجی طراحی شده تا بر احساسات، انگیزه‌ها، استدلالات و در نهایت، رفتار دولتها، سازمانها، گروهها و افراد خارجی تأثیر بگذارند.

ضرورت رسیدن و در اختیار داشتن قدرت نرم و مقابله با جنگ نرم

در حال حاضر فضاهاى ارتباطى، رسانه‌اى، تبلیغاتی و فرهنگى موجود در دنیا به صورت ابزارهاى قابل اعتماد برای استفاده و تأمین قدرت نرم استفاده می‌شوند و اگر رسانه‌هاى ما از ابزار و سیاستهاى ابزار قدرت نرم استفاده نکنند، مقهور و محصور فضاهاى ارتباطى دشمن خواهند شد. اما برای رسیدن به این امکان و در اختیار داشتن این قدرت، باید الزامات، ابزارها، شیوه‌ها و سیاستها را شناسایی و زیرساختهاى فرهنگى مرتبط با آن را مهیا کرد. بدون شك روابط تعاملات فرهنگى و گستره آن به عنوان مهم‌ترین ابزار دستیابى به قدرت مطلوب نرم است که باید توجه ویژه‌اى به آن معطوف داشت.

بدون تردید، منابع قدرت نرم در ایران اسلامى فراوان و قابل بهره‌برداری است که از مهم‌ترین آنها می‌توان ارزشهاى دینى، قدرت سیاسى و دیپلماسى، مردم و انسجام و همبستگی آنها را محور قرار داد. در عین حال، مصادیق قدرت نرم و مقابله با جنگ نرم برای جمهوری اسلامى را می‌توان چنین برشمرد:

۱. رهبرى متعدد در سطوح منطقه؛
 ۲. فرهنگ غنى اسلامى؛
 ۳. جمعیت جوان و نخبه کشور و قابلیتها و فرصتهاى آنان؛
 ۴. قدرت و همراهى مردم با حکومت اسلامى؛
 ۵. دیپلماسى فعال قدرت سیاسى در منطقه و بسیج گروههاى اسلامى.
- شناسایی قدرت نرم، شائبه و کارکردها و رویکردهاى آن، دستیابى به مفهوم بومى و شناسایی حوزه و گستره آن، همچنین راهکارهاى رسیدن به قدرت نرم و در اختیار داشتن آن می‌توانند به عنوان اولویتهای فرهنگى کشور محسوب شوند تا نسبت به آنها اقدام عملى صورت پذیرد.

نتیجه‌گیری

قدرت نرم همواره از مؤلفه‌هاى کلیدی در رهبرى بوده است. قدرت جذب - ترغیب افراد به آنچه شما می‌خواهید، دسته‌بندی امور و تنظیم دستور کار - مسیر خود را طى

هزاران سال زندگی انسان باز کرده است. رهبران حرفه‌ای همواره واقفند که این جذابیت، از اعتبار و مشروعیت تغذیه می‌شود. قدرت هیچ گاه تنها از لوله‌های تفنگ جاری نمی‌شود و حتی ظالم‌ترین دیکتاتورها نیز به جذب مردم در کنار ارباب توجه داشته‌اند.

با گذار از عصر سنتی و گسترش فناوری‌ها و اطلاعات بشری، ابزارهای کاربردی آنها هم با تغییراتی مواجه شد که از جمله آنها می‌توان به سلاحهای نظامی اشاره کرد. در گذشته در جنگها از این سلاحها که به قدرت برهنه مشهور هستند، استفاده می‌شد؛ اما هر چه به دهه‌های اخیر نزدیک‌تر می‌شویم، از کاربرد آنها کاسته و قدرت نرم جایگزین آنها شده است. قدرت نرم یا جنگ نرم فعلی برای پیشبرد اهداف خود نیازمند ابزاری است که با عقلانیت ابزاری به دست می‌آید. بهره‌گیری از جنگهای روانی در بُعدی قرار دارد که به نوعی، به تغییر ذهنیت و سوق دادن اشخاص مورد نظر به سیاستهای خود توجه دارد. جنگ رسانه‌ای و رایانه‌ای دو مؤلفه اصلی و مهم در قدرت محسوب می‌شوند که با استفاده صحیح از آنها می‌توان به نتیجه مطلوب خویش دست یافت. البته باید توجه داشت که کاربرد این ابزارها زمان‌بر است، لذا باید توازن و تعادل را میان آنها برقرار کرد تا نتیجه مطلوب حاصل شود. پس باید اذعان کرد که هر چه به عصر جدید نزدیک‌تر می‌شویم، از ابعاد سخت‌افزاری قدرت و جنگ کاسته و بر بُعد نرم‌افزاری آنها افزوده می‌شود.

منابع

۱. العوینی، محمد علی (۱۳۶۹)؛ امپریالیسم تبلیغی یا تبلیغات بین‌المللی، ترجمه محمد سپهری، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۲. تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)؛ سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران، شیرازه.
۳. تلیس و همکاران (۱۳۸۳)؛ سنجش قدرت ملی در عصر فرا صنعتی، تهران، ابرار معاصر.
۴. تولایی، محمد (۱۳۸۷)؛ تحلیلی بر گفتمان هیئت حاکمه جدید آمریکا، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۵. جعفرپور، محمود (۱۳۸۷)؛ «قدرت نرم: درآمدی بر جنگهای رسانه‌ای و رایانه‌ای»، قدرت نرم: معنا و مفهوم، ج ۱، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۶. حسینی، حسین، ۱۳۷۷، تبلیغات و جنگ روانی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده علوم دفاعی.
۷. رضائی، روح‌الله (۱۳۸۰)؛ چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نی.
۸. ضیایی پور، حمید (۱۳۸۷/الف)؛ جنگ نرم: ویژه جنگ رایانه‌ای، ج ۱، تهران، ابرار معاصر.
۹. ضیایی پور، حمید (۱۳۸۷/ب)؛ جنگ نرم: ویژه جنگ رسانه‌ای، ج ۲، تهران، ابرار معاصر.
۱۰. ضیایی پور، حمید (۱۳۸۷/ج)؛ جنگ نرم: ویژه نبرد در عصر اطلاعات، ج ۳، تهران، ابرار معاصر.
۱۱. ضیایی پور، حمید (۱۳۸۷/د)؛ جنگ نرم: ویژه عملیات روانی و ضریب استراتژیک، ج ۴، تهران، ابرار معاصر.
۱۲. کلاهچیان، محمود (۱۳۸۷/د)؛ «بررسی قدرت و نقد قدرت نرم در گفتمان غربی»، قدرت نرم: معنا و مفهوم، ج ۱، تهران، پژوهشکده تحقیقات و مطالعات بسیج.

۱۳. متقی، ابراهیم (۱۳۸۷)؛ «قدرت هوشمند و استراتژی تغییر چهره آمریکا در دوران اوباما»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال یازدهم، ش ۴۱.
۱۴. متقی، ابراهیم (۱۳۸۳)؛ «معمای سیاست خارجی و گزینه‌های مداخله‌گری آمریکا»، همشهری دیپلماتیک، ۳ بهمن.
۱۵. مرادیان، محسن و محمد فرهادی (۱۳۸۷)؛ درک قدرت نرم: معنا و مفهوم، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۱۶. نادری، شبنم (۱۳۸۸)؛ «جنگ جهانی سوم»، روزنامه کیهان، ۲۲ آذر، ش ۱۹۵۳۳.
۱۷. نای، جوزف، اس (۱۳۸۲)؛ قدرت نرم، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۱۸. نای، جوزف، اس (۱۳۸۷)؛ «قدرت نرم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۲۹ (پاییز).
۱۹. نلسون، جان ام (۱۳۷۹)؛ مشارکت سیاسی، تهران، [بی‌نا].
۲۰. وایت، جان (۱۳۸۲)؛ روشهای جنگ روانی، ج ۱، ترجمه فرهاد کاظمی، تهران، جم.
۲۱. هانتینگتون، ساموئل پی (۱۳۷۸)؛ برخورد تمدنها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمدعلی حمید رفیعی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
22. Barness, Barry (1998). "Coercive Power", Cambridge Polity Press.
23. Hinen, Games (2008). **Smart Power in the World**, University, New York.
24. Kelly, Paul (2002). "Soft Power for Hard Heads", *the Weekend Australian*, No. 8 (June).
25. Nye, Joseph, (2004). "Soft Power", *Public Affairs*.
26. Polite, Mark M (1997). "Cyber Terrorism, Fact or Fancy?", *Proceeding of the 20th National Information Systems Security Conference* (Oct).
27. Rice, C (2000). "Campaign", *Foreign Affairs*, No.79 (Jan/Feb).

28. Slaughter, Anne Marie (2008). **“The Idea that is America, Cited in: Voices of America”**, by: Kristin M. Lord, Brooking Publishing.
29. U.S Defense Department (2004). **The Military Critical Technologies List**, Washington D.C, U.S. Government Printing Office.
30. Walt, Stephen (2005). **“Taming American Power”**, *Foreign Affairs* (September/October).

